



گفت و گوی ما با دکتر هرמידاس باوند درست پس از پایان ۴ روز مذاکره تیم هسته‌ای ایران با آمریکا و ۵+۱ در اوایل اسفند ماه در ژنو انجام شد. باوند کنگره را چندان مشکل جدی در روند توافق نمی‌داند و از اتحادیه اروپا و اختیارات قانونی رئیس جمهور آمریکا به عنوان اهرم‌های کنترل کنگره یاد می‌کند. وی البته دیدگاهی انتقادی نیز به روند سیاست‌ها و جهت گیری‌ها در زمان دولت قبل نسبت به رویکرد‌های اصلی سیاست خارجی دارد و معتقد است نتوانسته ایم از نظم جدید جهانی استفاده کنیم و باید مانند ژاپن و آلمان رویکردمان را به سمت ...

گفت و گوبادکتر داوود هرמידاس باوند

نتوانسته ایم از نظم جدید جهانی استفاده کنیم

فائقه انوار



آقای دکتر شما چشم انداز مذاکرات و همکاری ایران و آمریکا را چگونه می‌بینید؟

به نظر من این روند باعث خواهد شد که همکاری ایران و آمریکا در عراق بیشتر شود در باره افغانستان هم کم و بیش به همین ترتیب خواهد بود. در مورد سوریه فعلاً قابل پیش بینی نیست چون از یک طرف آمریکا ظاهرأ مجبور شده با ترکیه قراردادی برای کمک به گروه‌های میانه رو ببندد و از طرف دیگر برخی در آمریکا معتقدند با توجه به این که سقوط رژیم اسد با توجه به حضور داعش نه تنها سوریه بلکه منطقه را دچار آشوب می‌کند، نباید این گونه عمل کرد. اما به هر حال مسئله سوریه خیلی پیچیده است و در مورد سوریه غیر از مسئله داعش نمی‌توان گفت که دیدگاه نزدیکی وجود دارد.

در این روند نقش اسرائیل و کنگره را چگونه می‌بینید؟ آن‌ها وقتی در مقابل عمل انجام شده قرار گیرند کنگره آمریکا سعی خواهد کرد خود را با ایران هم سو کند چون قطعنامه‌ای که کنگره تصویب کرده قطعنامه‌های مشروطی است به خصوص تأکید بر رعایت حقوق بشر، عدم حمایت از تروریسم بین الملل. مسئله رعایت حقوق بشر یک مسئله گریزناپذیر است و در صحنه خواهد بود و آمریکا در این حوزه فعال تر خواهد شد و این لازمه‌اش این است که در هر حال حداقل تبدیلی در مورد حقوق بشر انجام شود. منتهی متأسفانه در ایران وحدت رویه وجود ندارد یعنی تا مذاکره کننده در باره موضوع مسائل هسته‌ای گفت و گو می‌کند عقل سلیم ایجاب می‌کند که یک همبستگی با گروه مذاکره کننده وجود داشته باشد. این همبستگی، موضوع‌های مطرح شده در حوزه حقوق بشر را خنثی می‌کند و گروه مذاکره کننده با اطمینان بیشتری وارد میدان می‌شود. اما در مورد آمریکا، نظر کنگره آمریکا بستگی به فرآیند مذاکره دارد در مسئله اسرائیل هم این رژیم دست بالا را در مذاکرات گرفته است. اگر مذاکره کنندگان به توافقی دست پیدا کنند کنگره آمریکا اگر بخواهد مخالفتی داشته باشد و یا مانعی در مقابل توافق ایجاد کند در مورد مصوبه‌هایی وارد می‌شود که جزو اختیارات او با ما نیست و موافقت کنگره را لازم دارد. البته مصوبه‌هایی هست که اگر رئیس جمهور امضا نکند اجرای آن به تأخیر می‌افتد. با عنوان (Pocket veto) این مصوبه‌ها تا ۶ ماه به تأخیر می‌افتد. این‌ها مصوبه‌هایی هستند که به تأخیر می‌افتند بدون این که وتو محسوب شوند. از طرف دیگر خاور میانه دائماً در معرض تحولات جدید است و او با ما می‌تواند از این فرصت‌ها در باره مذاکرات استفاده کند. اما این موضوع یعنی تحریم‌ها در باره اتحادیه اروپا صدمتی نمی‌کند این اتحادیه تحت تأثیر لابی اسرائیل نیست و مشکلی در باره تحریم‌ها دارد و فراتر از آن دادگاه اتحادیه اروپا بسیار قدرت بالایی دارد. آن قدر که مصوبه شورای وزیران را نقض کرده است. بنابراین اروپاییان عاملی می‌شوند که به نحوی بر تصمیمات کنگره آمریکا اثر گذار باشند. آقای کامرون

ایران در افکار عمومی و سیاسی جهان تعریف کرده است که به طور مثال ۶ کشور سطح بالا و قدرت مند جهان حاضر شده‌اند در میز مذاکره روبه روی ایران بنشینند؟

ببینید شرایط منطقه در این باره انبیا ندیده گرفت. مذاکرات از چه زمانی آغاز شد؟ زمانی که آقای خاتمی سیاست تنش زدایی و بحث گفت و گوی تمدن‌ها را مطرح کرد. در همان زمان سخنان خانم آلبرایت و عذرخواهی کلینتون درباره کودتای ۲۸ مرداد و برداشتن برخی تحریم‌ها از جمله درباره پسته، فرش و خوابار ایران را شاهد بودیم. فضا از همان دوران کمی مساعد شد اما بعد از آن در دوران دولت آقای احمدی نژاد ما با درپیش گرفتن سیاست تهاجمی، مقاومتی و نگاه به شرق نه تنها تحریم‌های شورای حکام علیه ایران را از حالت موقت به دائمی تبدیل کردیم بلکه پرونده به شورای امنیت ارجاع شد. به نظر من تحریم‌های شورای امنیت تنها محصول موضوع هسته‌ای ایران نبود بلکه نتیجه استراتژی بود که دولت در آن زمان داشت حتی روسیه و چین هم با تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران مخالفت نکردند و فقط استفاده از آری کردند. البته شرایط منطقه‌ای و نقاط مشترک می‌توانست موجب نزدیکی دیدگاه ایران و آمریکا شود.

مثلاً حملات بازدهم سپتامبر و مواضع مشترک در افغانستان، ایران و آمریکا را به هم نزدیک کرد. ایران باید از این فضا به نفع خود بهره برداری می‌کرد زیرا ایران کشوری است که به لحاظ دارا بودن مولفه‌های متفاوت جایگاه ویژه‌ای در منطقه دارد و می‌تواند با اتکا به این مولفه‌ها جایگاه خود را تقویت کند. به نظر من اگر مدیریت حساب شده و دقیقی در این ارتباط وجود داشت نه تنها این جایگاه حفظ بلکه تقویت می‌شد. یادآور می‌شوم ایران به دلیل حضورش در منطقه حائل دو کشور چین و روسیه که هم برای اروپا و هم برای آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است، مورد توجه است. حوادث منطقه از جمله بهار عربی و نتایج آن نشان داد که کشورهای منطقه نمی‌توانند آن ویژگی مورد نظر برای غربی‌ها را داشته باشند و مدیریت خردمندانه در پیش بگیرند، بنابراین ایران اگر در سیاست‌های خود در حوزه‌های مختلف تعدیل داشته باشد نه تنها می‌تواند در میان کشورهای گروه ۲۰ بلکه در میان کشورهای ۸ نیز نقش مهمی بازی کند.

برخی تحلیل‌گران از جمله آقای برژینسکی و اندیشمندان غربی معتقدند تحولات بین المللی حاکی از شکل گیری نوعی نظام جدید است. به نظر شما در این نظام جدید جایگاه منطقه‌ای و بین المللی ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟

این نظام جدید قاعدتاً تبعات و آثار خود را بر دنیا و نظام بین الملل خواهد داشت اما در این نظام بسیاری بر آن شدند که قبل از هر چیزی به مسئله رفاه بشری توجه داشته باشند. به عبارت دیگر از بعد سنتی خود یعنی مسئله حفظ نظم، امنیت داخلی و توانایی دفاعی به بعد گسترده تری یعنی مباحث اقتصادی و رفاه اولویت دهند. به عنوان مثال آلمان یا از این چیزی به عنوان ارزش ملی ندارند و یا آلمان، چین هم به همین سمت می‌رود یعنی امنیت خود را به اقتصاد و رفاه گره زده‌اند. دنیا امروز در راستای رفاه عمومی مردم، توسعه اقتصادی و اعتلای فرهنگی حرکت می‌کند. در نتیجه گرفتن سرزمین و گسترش مرزها در اولویت قرار ندارد. در همین راستا معتقدم پوتین در موضوع اوکراین اشتباه بزرگی را مرتکب خواهد شد. به نظر من نظام جدید جهانی در این راستا در حرکت است. متأسفانه در این نظام ایران نتوانسته همگرایی لازم را با کشورهای منطقه و همسایه خود داشته باشد و نتوانستیم استفاده بهینه داشته باشیم. در مقطعی می‌توانید از جنبه‌های ارزشی، امت‌گرای استفاده کنید اما همیشه نمی‌توان از این رهگذر بهره برد. بنابراین آقایان برژینسکی و هانتینگتون هر کدام از زاویه خاص خود به این نظام جدید بین المللی پرداخته‌اند و تحولات دنیا را بررسی می‌کنند و شکی نیست که دنیا دچار دگرگونی خواهد شد. اما تصمیم گیران کشورها اگر برداشت درستی از روندی که در پیش است داشته باشند می‌توانند ساختار درونی خود را در عرصه‌های مختلف متحول کنند و لوی اگر فرصت‌ها را از دست بدهند نه تنها با مشکلات متفاوت مواجه خواهند شد بلکه درگیر رفع این مشکلات خواهند شد.

